



Exceptions to the Principle of Separating Company Assets from Partners' Assets in Iranian and French Law

Rohollah Pornorooz¹, Mehdi Montazer^{2*}, Saeed Mansouri³

1. PhD Student in Private Law, Department of Law, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Human Sciences, Damavand Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law and Political Science, Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 137-154

Article history:

Received: 14 Oct 2020

Edition: 12 Dec 2020

Accepted: 06 Feb 2021

Published online: 19 Mar 2021

Keywords: legal Personality, The Principle of Separating Company Assets from Partners' Assets, Principle of Limited Liability, Company Property, Partner Property, Fraudulent transaction.

Corresponding Author:

Mehdi Montazer

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Damavand Branch, Faculty of Human Sciences, Department of Private Law.

Orchid Code:

0009-0004-1216-6056

Tel:

02176301225

Email:

montazer@damavandiau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Purpose: The purpose of this article is to examine the exceptions to the principle of separation of company assets from partners' assets in Iranian and French laws.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used to collect materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings showed that the principle of the independence of the company's assets in both Iranian and French laws has exceptions. Among other things, in the event that due to the bankruptcy of a joint-stock and partnership company, there is a deficiency in the company's assets due to the violation of the partner managers, the company's compensated from its assets. Another exception is if the partners engage in a fraudulent transaction, they cannot rely on the principle of independence of the company's legal personality by resorting to the principle of limited liability. Based on this rule, which is called the rule of passing the legal personality of a commercial company, the partners are responsible for third parties and pay damages from their property.

Result: the principle of independence of the legal personality of companies and, accordingly, the principle of separation of company assets from partners, is not absolute and has exceptions in order to protect creditors and third parties.

Cite this article as:

Pornorooz R, Montazer M, Mansouri S. *Exceptions to the Principle of Separating Company Assets from Partners' Assets in Iranian and French Law*. Documents. Economic Jurisprudence Studies. 2022.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

استثنائات اصل تفکیک دارائی شرکت از دارائی شرکا در حقوق ایران و فرانسه

روح الله پورنوروز^۱، مهدی منتظر^۲، سعید منصوری^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هدف مقاله حاضر، بررسی استثنائات اصل تفکیک دارائی شرکت از دارائی شرکا در حقوق ایران و فرانسه است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر، توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد اصل استقلال دارایی شرکت هم در حقوق ایران و هم در حقوق فرانسه، دارای استثنائاتی است. از جمله، در صورتی که برائر ورشکستگی شرکت سهامی و تضامنی، کمبودی در دارایی شرکت ایجاد شود که ناشی از تخلف مدیران شریک باشد، طلبکاران شرکت حق دارند به شریک متخلف مراجعه و تقاضا کنند که خساراتشان از دارایی او جبران شود. استثناء دیگر این است چنانچه شرکاء به معامله متقابلانه دست بزنند، نمی‌توانند با توسل به اصل مسئولیت محدود، به اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت متول شوند. بر اساس این قاعده که آن را عبور از شخصیت حقوقی شرکت تجاری نام نهاده‌اند، شرکاء در قبال اشخاص ثالث و پرداخت خسارت از اموال خویش، دارای مسئولیت هستند. این اصل در حقوق فرانسه مسبوق به سابقه است لیکن در حقوق ایران ابه صراحت نیامده است؛ اما به توسل اصل قاعده لاضرر قابل استناد است.

نتیجه: اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت‌ها و به تبع آن، اصل تفکیک دارائی شرکت از شرکاء، مطلق نبوده و در راستای حمایت از طلبکاران و اشخاص ثالث دارای استثناء است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۷-۱۵۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۳

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹

واژگان کلیدی: شخصیت حقوقی،

اصل تفکیک دارائی شرکت از دارائی

شرکا، اصل مسئولیت محدود، دارائی

شرکت، دارائی شرکاء، معامله متقابلانه

نویسنده مسئول:

مهدی منتظر

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد دماوند، دانشکده علوم انسانی،

گروه حقوق خصوصی.

کد ارکید:

0009-0004-1216-6056

تلفن:

02176301225

پست الکترونیک:

montazer@damavandiau.ac.ir

۱. مقدمه

شرکت می‌باشد. از مهمترین آثار و نتایج شخصیت حقوقی، استقلال دارایی آن از دارایی شرکاء و سرمایه گذاران می‌باشد که به شرکت توانایی اداره و حفاظت از دارایی و دفاع از آن در برابر طلبکاران و امکان طرح دعوی را اعطاء می‌کند؛ اما موضوع و مسئله این است که آیا اصل تفکیک دارائی شرکت از شرکاء، مطلق است یا دارای استثناء است؟ رویکرد حقوق ایران و فرانسه در این خصوص چگونه است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا قاعده استقلال شخصیت حقوقی و تفکیک دارایی شرکتهای تجاری بررسی شده و در ادامه از استثنائات اصل تفکیک دارائی شرکت از دارائی شرکا در حقوق ایران و فرانسه بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد اصل استقلال دارایی شرکت هم در حقوق ایران و هم در حقوق فرانسه، دارای استثنائاتی است. از جمله، در صورتی که بر اثر ورشکستگی شرکت سهامی و تضامنی، کمبودی در دارایی شرکت ایجاد شود که ناشی از تخلف مدیران شریک باشد، طلبکاران شرکت حق دارند به شریک متخلف مراجعه و تقاضا کنند که خساراتشان از دارایی

با توسعه شرکت‌ها، مالکیت‌های فردی محدود می‌شود و شرکت به‌عنوان یک شخصیت حقوقی پا به عرصه وجود می‌گذارد. در واقع این خود شرکت است که مرکز توجه قرار می‌گیرد؛ نه شرکاء آن. وجود شخصیت‌های حقوقی نظیر شرکتهای که از جمله اشخاص حقوقی خصوصی محسوب می‌شوند ناشی از ضرورت‌های اجتماعی است که این ضرورت‌ها از اولین روزهای زندگی بشر بروز و نمود یافته است و در هر عصری متناسب با نیازها و ضرورت‌های اجتماعی تغییر نموده است. شخصیت حقوقی شرکت مبتنی بر مصالح عملی و ضرورت‌های اجتماع است. بر اساس قاعده‌ی استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری وقتی شرکت مرتکب موارد ضمان قهری می‌شود و یا قراردادی منعقد می‌کند حقوق و تعهدات حاصل از موارد فوق‌الذکر صرفاً متوجه شخص حقوقی بوده و شریک یا شرکای شرکت اعم از حقیقی و یا حقوقی در این مورد مسئولیتی نخواهند داشت. اصل مسئولیت محدود که از اموال و دارایی سهامداران شرکت حفاظت می‌کند ناشی از این است که شرکتهای وجود حقوقی مستقلی از اعضا و شرکای خود دارند. چنانچه شرکت تجاری نتواند قروض و تعهدات خود را بپردازد شرکای شرکت الزامی به پرداخت قروض شرکت از دارائی خود نخواهند داشت؛ به تعبیر دیگر شرکا اعم از حقیقی و یا حقوقی مسئولیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت نخواهند داشت. شرکت نسبت به دارایی خود حق انجام معاملات و انعقاد عقود با اشخاص ثالث را دارد زیرا شرکت نه تنها مالک آن جزء از دارائی است که در هنگام تأسیس شرکت به شرکت آورده شده بلکه هر چیزی هم در زمان فعالیت و حیات شرکت به دست آید همه جزء دارایی

است که شرکتها وجود حقوقی مستقلی از اعضا و مالکان خود دارند. مسئولیت محدود به‌عنوان یک ابداع بنیادی که هم موجب رونق و توسعه نظام کارفرمایی شد و هم سرمایه‌گذاری در شرکتهای تجاری را تشویق نمود، مورد استقبال قرار گرفت. در سالهای اخیر تئوری پردازان اقتصادی نشان داده‌اند که چطور این اصل منجر به تخصیص مناسب سرمایه‌گذاری و ارتقاء آن شده است» (روحانی، ۱۳۹۲، ۵۰). چنانچه شرکت تجاری قادر به ایفای دیون و تعهدات خود نباشد اعضای شرکت مجبور به پرداخت دیون شرکت از دارایی خود نخواهند بود؛ اما این اصل دارای استثنائاتی است که هدف مقاله حاضر بررسی این استثنائات است.

۵-۱. قاعده استقلال شخصیت حقوقی و

تفکیک دارایی شرکتهای تجاری

در این قسمت به بررسی قاعده استقلال شخصیت حقوقی و تفکیک دارایی شرکتهای تجاری پرداخته می‌شود.

۵-۱-۱. قاعده استقلال شخصیت حقوقی

شرکت تجاری

به‌عنوان یک قاعده کلی حقوق شرکتهای، شرکت تجاری شخصیت حقوقی مستقل از اعضای خود دارد. «شناسایی شرکتهای تجاری به‌عنوان شخص حقوقی و شناخت شخصیت حقوقی برای آنها، امری است که در همه نظامهای حقوقی مورد تأیید است و تردیدهایی که زمانی در این باره وجود داشت، امروزه دیگر وجود ندارد». در حقوق ایران برخورداری شرکتهای تجاری از شخصیت حقوقی و برخی خصوصیات آن، در مواد ۵۸۳، ۵۸۸ و ۵۸۹ قانون تجارت سال ۱۳۱۱ پیش بینی شده است.

او جبران شود. استثناء دیگر این است چنانچه شرکاء به معامله متقلبانه دست بزنند، نمی‌توانند با توسل به اصل مسئولیت محدود، به اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت، متوسل شوند. بر اساس این قاعده که عبور از شخصیت حقوقی شرکت تجاری نام دارد، شرکاء در قبال اشخاص ثالث و پرداخت خسارت از اموال خویش، دارای مسئولیت هستند. این اصل در حقوق فرانسه مسبوق به سابقه است. در حقوق ایران اما به صراحت مطرح نیست؛ اما اصل قاعده لاضرر قابل استناد است.

۵. بحث

پیشرفت و تحول اقتصادی در گرو رشد و توسعه فعالیت‌های اقتصادی است. در راستای رفع موانع رشد و توسعه فعالیت‌های اقتصادی و با توجه به بیم تجار از مسئولیت نامحدود و شخصیتشان در فعالیت‌های تجاری فکر تحدید مسئولیت، نظام حقوقی کشورها را به سمت شرکتهایی سوق داد که از طریق آنها بتوانند مسئولیت شخصی تجار را محدود نمایند (امیر تیموری؛ عیسائی تفرشی، ۱۳۹۲، ۱۴۵). «اصل محدود بودن مسئولیت شرکا به میزان سرمایه خود یکی از اوصاف بنیادین شرکتهای سرمایه به‌شمار می‌رود. این ویژگی در شرکت با مسئولیت محدود از دید قانون‌گذار آن چنان مهم دیده شده که نام شرکت یاد شده متضمن همان ویژگی اصلی آن یعنی مسئولیت محدود است. مفهوم محدود بودن مسئولیت شرکا در رابطه با شرکت مورد بحث دقیقاً به همان معنای مسئولیت محدود در شرکتهای سهامی است». «اصل مسئولیت محدود برای مدتهای طولانی است که از اموال سهامداران شرکتهای محافظت می‌نماید. این اصل از این قاعده ناشی شده

است که از مجموع آورده شرکاء تشکیل می‌شود به اضافه آن قسمت از دارایی که در زمان حیات شرکت به آن افزوده می‌شود» (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۷، ۳۵). با تشکیل شرکت تجاری مالکیت آورده شرکاء به شرکت منتقل می‌شود. از آن پس فقط شرکت نسبت به آورده‌ها حق عینی، دارد البته باید گفت شرکاء نیز حقی در شرکت دارند و آن سهامدار شرکت محسوب شدن آنهاست به اعتبار مشارکت در سرمایه اولیه شرکت؛ لذا می‌توان گفت حق شرکاء بر اموال شرکت ماهیت خاصی پیدا می‌کند که نه بطور کامل منطبق با حقوق عینی است نه دینی. «نظام حقوقی فرانسه، ایجاد حقوق عینی جدید را توسط اشخاص خصوصی ممنوع نکرده است؛ بنابراین، در این کشور، اراده اشخاص در ایجاد حقوق عینی با مانعی روبرو نیست و اگر حق عینی جدید، قابل تطبیق با علقه‌های سه‌گانه‌ای که در ماده (۵۴۳) قانون مدنی پیش از اصلاحات ۲۰۱۶ آن کشور عنوان شده، منطبق باشد، هیچ تردیدی در نفوذ و صحت آن روا نخواهد بود.

دارایی شرکت‌های تجاری علاوه بر ویژگی‌های کلی نظیر مربوط بودن آن به شخصیت و حقوق مالی و تجزیه ناپذیری آن ویژگی‌های دیگری نیز دارد که در ذیل به آن می‌پردازیم. برای تبیین ویژگی‌های دارایی شرکت‌های تجاری بهتر است به بیان این ویژگی‌ها در ۳ دوره زمانی بپردازیم:

اول: زمان تشکیل و ایجاد شرکت: برای تشکیل شرکت تجاری پس از توافق و اراده شرکاء تشکیل سرمایه ضروری است که این سرمایه از اجتماع آورده‌های فردی هر یک از شرکاء تشکیل می‌شود و اگر شریکی حصه به شرکت نیابد مشارکت او در شرکت محقق نمی‌شود. «با تشکیل شخصیت حقوقی شرکت، حق عینی شرکاء بر آورده ماهیت خود را از

«قانون تجارت در ماده ۵۸۳، برای شرکت‌های تجاری شخصیتی مستقل از شخصیت شرکای شرکت به رسمیت شناخته است» (عیسائی نفرشی، ۱۴۰۰، ج ۱، ۱۱۷). «این امر به قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری شناخته شده است بر این قاعده آثار مهمی مترتب می‌شود؛ از جمله آنکه شخص حقوقی می‌تواند دارای حق و تکلیف شده و آنها را مورد اجرا گذارد؛ شرکاء حق مالکیت خود نسبت به آورده‌های خویش را از دست می‌دهند جز در خصوص شرکت‌هایی که شرکاء شخصاً ضامن تعهدات شرکت هستند در سایر شرکتها طلبکاران حق مراجعه به شرکاء را ندارند» (شهبازی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۰). براساس قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری هنگامی که شرکت مرتکب موارد ضمان قهری می‌شود و یا قراردادی منعقد می‌کند حقوق و تعهدات حاصل از موارد فوق‌الذکر صرفاً متوجه شخص حقوقی بوده و شرکای شرکت اعم از حقیقی و یا حقوقی در این زمینه مسئولیتی نخواهند داشت.

۵-۱-۲. تفکیک دارایی شرکت‌های تجاری

باید گفت به‌موجب ماده ۵۸۳ قانون تجارت، مقنن برای شرکت‌های تجاری به صراحت شخصیت حقوقی اعتبار نموده است. مهمترین نتیجه حاصل از دارا شدن شخصیت حقوقی، دارا شدن حقوق و تکالیفی است که قانون برای افراد قائل است؛ نظیر: دارایی، اقامتگاه و تابعیت و... از آنجا که شرکت دارایی مستقل و متمایز از اعضاء تشکیل دهنده خود دارد، «لذا تعهدات و مسئولیت‌های شخص حقوقی متوجه اشخاص حقیقی تشکیل دهنده آن نمی‌باشد جز در شرکت‌های تضامنی و نسبی شرکت مالک آن دارایی

۵-۲. استثنائات اصل تفکیک دارائی

شرکت از دارائی شرکا در حقوق ایران

در این قسمت به بررسی استثنائات اصل تفکیک دارائی شرکت از دارائی شرکا در حقوق ایران پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. رجوع طلبکاران شرکت به شرکاء در

صورت انحلال یا ورشکستگی شخصیت حقوقی شرکت

استثنای اول اصل تفکیک دارائی شرکت از دارائی شرکا در خصوص شرکتهای شخص، نظیر شرکتهای تضامنی، نسبی و مختلط نسبت به شرکای ضامن است که در این شرکتهای طلبکاران شرکت نمی‌توانند مستقیماً به دارائی شرکاء مراجعه و اقدام به وصول طلب خود نمایند؛ لذا قانونگذار صراحتاً رجوع به شرکای ضامن را منوط به انحلال شرکت دانسته است. دلیل این امر را می‌توان طبیعت اینگونه شرکت‌ها دانست و اینکه در این شرکتهای، مسئولیت شرکاء بیش از آورده‌شان به شرکت می‌باشد.

همچنانکه ماده ۱۱۶ ق.ت بیان می‌دارد: «اگر دارائی شرکت برای تأدیه تمام فروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است». مسئولیت شریک ضامن در برابر طلبکاران نسبت به تمام قروض شرکت است؛ اما در شرکتهای نسبی مسئولیت هر شریک به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت می‌گذارد. تأکید بر این نکته ضروری است که چون شخصیت حقوقی شرکت از شخصیت شرکاء مجزا و منفک می‌باشد و دارائی آنها نیز از یکدیگر مجزاست؛ لذا طلبکاران شرکت فقط زمانی می‌توانند به شرکاء رجوع کند که شخصیت حقوقی شرکت از بین برود (در اثر انحلال یا ورشکستگی شرکت) و

دست می‌دهد و تبدیل به حقی با ماهیت خاص می‌شود» (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۷، ۳۵).

دوم: در طول فعالیت و حیات شرکت سرمایه شرکت در طول زمان متحول می‌شود ممکن است در نتیجه ضررهای وارده کم شود و یا اینکه با اراده شرکاء تصمیم بر افزایش یا کاهش اختیاری آن اتخاذ شود تا زمانی که شرکت منحل نشده است مطالبه بدهی‌ها باید از خود شرکت به عمل آید چرا که دارائی شرکت وثیقه دیون و تعهدات خود اوست (شهبازی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۱).

سوم: به موجب ماده ۲۲۴ لایحه اصلاح قانون تجارت «زمان انحلال شرکت دارائی شرکت در وهله اول صرف پرداخت دیون و تعهدات شرکت خواهد شد و پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تأدیه کلیه دیون، دارائی شرکت بدواً به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و اگر مازادی باشد به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه شرکت ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد». «یکی از محاسن شخصیت حقوقی در شرکتهای تجاری این است که آورده‌های شرکاء در شرکتهای تجاری دارائی مخصوصی به وجود می‌آورد که از دارائی فرد آنها جدا است. سرمایه شرکت را آورده‌های شرکاء تشکیل می‌دهد و پیرامون این هسته مرکزی حقوقی ایجاد می‌گردد که دارائی شرکت می‌باشد» (صقری، ۱۳۷۱، ۱۱) شرکت نسبت به دارائی خود حق انجام معاملات و انعقاد عقود با اشخاص ثالث را دارد؛ زیرا شرکت نه تنها مالک آن جزء از دارائی است که در هنگام تأسیس شرکت به شرکت آورده شده بلکه هر چیزی هم در زمان فعالیت و حیات شرکت به دست آید همه جزء دارائی شرکت می‌باشد.

مطالبات و ... باقی است؛ لذا طبیعتاً طلبکاران حق رجوع به شرکاء را در این دوره زمانی نخواهند داشت. ثانیاً: پس از انجام عملیات تصفیه است که با اجرای تعهدات و وصول مطالبات، میزان دیون شرکت معین می‌شود و رجوع طلبکاران شرکت به شرکاء زمانی متصور است که شرکت از پرداخت دیون عاجز باشد که این امر نیز بدون خاتمه تصفیه امکانپذیر نیست. قانونگذار در قسمت اخیر ماده ۱۲۶ ق. ت بیان می‌دارد: «اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکاء ضامن مطالبه کنند». توجه به همین امور است که بعضی از نویسندگان دارایی شرکت را حاجب و حائل بین طلبکاران شرکت و دارایی شرکاء می‌دانند بدین معنی که بدهی‌های شرکت باید ابتدا از دارایی خود شرکت پرداخت شود و در صورت انحلال و عدم کفایت دارایی برای پرداخت تمام بدهی‌های شرکت، طلبکاران حق مراجعه به شریک را پیدا می‌کنند (حسنی، ۱۳۸۵، ۲۸۷).

«بنابراین آنچه باعث وجود مسئولیت برای شرکاء در شرکتهای تضامنی و نسبی می‌شود همان عدم پرداخت تمام طلب طلبکاران شرکت به علت کافی نبودن دارایی شرکت پس از انحلال آن است که از آن به مقدمه واجب یاد کرده‌اند که بدون آن امکان صدور حکم به مسئولیت شرکاء وجود ندارد. ایشان پس از تحقق مسئولیت این وجوب را واجب کفایی دانسته‌اند؛ زیرا اگر فرد یا افرادی از عهده پرداخت طلب طلبکاران شرکت برآیند به همان میزان مسئولیت سایر شرکا در برابر طلبکاران مزبور ساقط می‌شود؛ لذا اگر تمام طلب پرداخت شود همه شرکا بری خواهند شد» (حسنی، ۱۳۸۵، ۲۹۲).

طلبکاران تنها با یک شخصیت روبرو باشند که همان شخصیت شرکاست. همچنانکه در ماده ۱۲۴ ق. ت مقرر شده است: «مادام که شرکت منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند و در حال هیچ یک از شرکاء نمی‌توانند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می‌نماید از تأدیه قروض شرکت امتناع ورزد...». در خصوص شرکت نسبی نیز در ماده ۱۸۷ ق. ت مقررات مشابهی بدین شکل تدوین شده است: «مادام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران می‌توانند با رعایت ماده فوق به فرد فرد شرکاء مراجعه کنند». همچنین است در شرکتهای مختلط که به موجب مواد ۱۵۱ و ۱۷۲ ق. ت زمانی شریک ضامن مسئول قروض شرکت شناخته می‌شود که شرکت منحل شده باشد.

برآیند این مواد ایجاد مسئولیت برای شریک با مسئولیت نامحدود پس از انحلال شرکت است. لیکن منطقی‌تر این است که قانونگذار مسئولیت شریک با مسئولیت نامحدود (ضامن) را پس از انحلال شرکت و تصفیه آن مقرر می‌نمود زیرا علاوه بر انحلال دارایی شرکت نیز باید برای پرداخت تمام بدهی‌های طلبکاران کافی نباشد تا اسباب مراجعه طلبکاران شرکت به شرکاء فراهم آید که این امر بدون خاتمه عملیات تصفیه امکان پذیر نیست (خوئینی؛ مشایخ، ۱۳۹۴، ۴۱)؛ زیرا اولاً: در زمان تصفیه، شخصیت حقوقی شرکت هر چند به طور ناقص و جهت خاتمه دادن عملیات جاری و اجرای تعهدات و وصول

البته باید گفت در روابط میان شرکاء مسئولیت همچنان باقی است. مثلاً اگر شریکی در شرکت تضامنی به میل خود یا در اثر اقدامات قانونی طلبکاران ملزم به پرداخت طلب طلبکار شود با استناد به مسئولیت عادی و به نسبت سرمایه قادر خواهد بود که به هریک از آنها مراجعه و سهم هر کدام را از وی مطالبه نماید. در شرکت نسبی وضع کمی فرق می‌کند؛ بدین صورت که با پرداخت تمام بدهی شرکت توسط یکی از شرکاء آن شریک فقط در یک صورت حق مراجعه به سایرین را پیدا می‌کند و آن اذن در پرداخت از سوی آنان می‌باشد، والا حق مطالبه ندارد. مستند این سخن، وضع ماده ۲۶۷ قانون مدنی است که بیان می‌دارد: «ایفاء دین از جانب غیر مدیون هم جایز است؛ اگرچه از طرف مدیون اجازه نداشته باشد؛ ولیکن کسی که دین دیگری را اداء می‌کند اگر با اذن باشد، حق مراجعه به او دارد والا حق رجوع ندارد».

به نظر نگارندگان، بر همین اساس، اگر یکی از شرکاء با انحلال شرکت تمام دیون شرکت را بپردازد، حق مراجعه به سایر شرکاء را به نسبت سهم‌الشرکه آنها دارد. البته در این راستا شرکاء به موجب شرکتنامه یا خارج از آن قادر خواهند بود که یک یا چند شریک را از پرداخت بدهی‌های شرکت معاف کنند که این قرار بین شرکاء معتبر خواهد بود. در شرکت نسبی فقط یک رابطه وجود دارد و آن رابطه بین شرکاء و طلبکاران شرکت است که براساس مسئولیت اشتراکی و نسبی می‌باشد؛ بنابراین در صورت انحلال شرکت و عدم کفایت دارائی خود شرکت جهت پرداخت دیون مسئولیت هر شریک به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته است که البته شرکاء به موجب شرکتنامه یا خارج از آن می‌توانند

توافق بر معافیت یک یا برخی از شرکاء از پرداخت بدهی‌های شرکت نمایند این قرار فقط بین شرکاء معتبر است. عدم وجود مسئولیت تضامنی در این شرکتها به این امر منجر می‌شود که طلبکار فقط به نسبت سرمایه هر یک از شرکاء حق مراجعه به او را داشته باشد؛ لذا در صورت پرداخت همه دیون شرکت توسط یکی از شرکاء فقط در صورت مأذون، بودن حق مراجعه به سایر شرکاء برای او ایجاد می‌شود. لازم به ذکر است که با انحلال شرکتهای اشخاص (تضامنی و نسبی) زمانی که طلبکاران شرکت حق مراجعه به شریک را پیدا می‌کنند دیگر طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت؛ چرا که حق تقدم طلبکاران شرکت فقط نسبت به دارایی شرکت و آنها هم به دلیل شخصیت حقوقی و اختصاص دارایی به این شخص حقوقی می‌باشد. لیکن با از بین رفتن این شخصیت و ایجاد حق مراجعه به شرکاء حق تقدم نیز خود به خود از بین خواهد رفت البته حق مراجعه طلبکاران شرکت به شرکاء نامحدود نیست و ماده ۲۱۹ قانون تجارت صراحتاً این مدت را ۵ سال تعیین نموده مگر در صورتیکه دعوائی تابع مرور زمان کوتاه‌تریه به موجب این قانون مرور زمان طولانی‌تری برای آن معین شده باشد.

استثنای دوم اصل تفکیک دارائی شرکت از دارائی شرکاء، تجارت متقلبانه است. یکی از مهمترین آثار قرارداد شرکت تجاری، شخصیت حقوقی آن است (احمدی سجادی، ۱۳۷۸، ۱۴۷). شخصیت حقوقی و به خصوص شخصیت حقوقی شرکتهای تجاری متضمن مفاهیم و آثار نظری کاربردی است. شخصیت حقوقی به عنوان نهادی با ویژگیها و آثار مخصوص به خود و متمایز از اشخاص تشکیل دهنده

تجاری معروف است و از آثار استقلال دارایی شرکت ایجاد امنیت برای سرمایه گذاران است.

د: با پیدایش شخصیت حقوقی موضوع تنظیم روابط میان شرکا جای خود را به موضوع ایجاد سازوکاری مناسب برای عملکرد شخص حقوقی می‌دهد، لیکن گاهی این استقلال شخصیت حقوقی ممکن است دستاویزی جهت کسب سود نامشروع توسط شرکا و تضرر اشخاص ثالث و اشخاصی که به نحوی در ارتباط با شرکت هستند قرار گیرد. بدین ترتیب نظریه مورد بحث عبور از شخصیت حقوقی شکل گرفته و شرایط خاصی را با در نظر داشتن تمامی زوایای موجود ترسیم نموده است.

همان‌طور که گفته شد شخص حقوقی دارای اموالی است که کاملاً متمایز از اموال اشخاصی است که از اجتماع آنها شخص حقوقی به وجود آمده است مثلاً در شرکت به مجرد آن که چند نفر دور هم گرد آمده و مقداری از اموال خود را برای مقصد معینی مجتمع می‌کنند این اموال دیگر به آنها متعلق نبوده و فقط شخص حقوقی است که صاحب آنها شناخته می‌شود به همین دلیل طلبکاران شرکت ارجح بر طلبکاران شرکا بوده و این اموال بین آنها تقسیم خواهد شد؛ «زیرا شرکت که برای مقصود خاصی تشکیل می‌شود اشخاص ثالث با اعتبار همان مقصود با شرکت معامله می‌کنند و بدیهی است در صورتی که تعهدی در قبال این معاملات برای شرکت تولید شود انجام آن فقط بر عهده شخص حقوقی و اموالی است که در تحت مالکیت او درآمده است» (مدنی، ۱۳۷۹، ۱۳۱۸).

شخصیت حقوقی به شرکای شرکت امکان می‌دهد که میزان مسئولیت خود در راستای معاملات شرکت با اشخاص خارج از شرکت یا اشخاصی که به نحوی در ارتباط با شرکت هستند را کاهش دهند. این امر

آن دیر زمانی است که توجه حقوقدانان و نویسندگان حقوق تجارت را به خود جلب نموده است.

قانون‌گذار در ماده ۵۸۳ قانون تجارت شخصیت حقوقی را برای تمامی شرکتهای قانون تجارت مقرر داشته است. «در اثر شخصیت حقوقی تکالیف شرکا بر شخصیتی مستقل منتسب می‌شود تا از این طریق، امنیت، اطمینان و نظم بیشتری بر روابط شرکاء با یکدیگر و شرکا با اشخاص ثالث به وجود آید این ویژگی مهمترین رکن شرکتهای تجارتی به حساب می‌آید که مؤسسين و شرکا با اتکای به چنین شخصیتی مستقل، به عملیات تجاری مبادرت می‌نمایند» (احمدی سجادی، ۱۳۷۸، ۱۴۷). دارا بودن شخصیت حقوقی مستقل از شخصیت شرکا در شرکتهای تجارتی آثار و نتایج متعددی را به دنبال دارد از جمله:

الف: شخصیت حقوقی ارتباط اشخاص ثالث با شرکت و روابط شرکا با یکدیگر را بسیار ساده می‌کند؛ زیرا همه شرکا و یا اشخاص ثالث با شخصیت مستقلی به نام شرکت تجاری رو به رو هستند و این امر موجب می‌گردد که شرکت تجاری روابط پیچیده در شرکتهای مدنی را نداشته باشد.

ب: «شخصیت حقوقی شرکت تجاری موجب می‌شود که شرکا دائماً به صورت ارادی یا قهری تغییر کنند؛ اما شخصیت حقوقی شرکت باقی بماند به همین دلیل امروزه شاهد شرکتهایی هستیم که عمر آنها خیلی بیش از عمر اشخاص حقیقی است عمر طولانی شرکتهای تجاری تأثیرات مثبتی در اقتصاد جامعه دارد» (خوئینی؛ مشایخ، ۱۳۹۴، ۴۳).

ج: شخصیت حقوقی شرکت این امکان را فراهم می‌کند که دارایی شرکت از دارایی اعضا و شرکای آن مستقل باشد این امر به استقلال دارایی شرکت

می‌شود تا امکان مراجعه به اشخاصی که در ورای شخصیت حقوقی شرکت قرار دارند فراهم شود این نظریه در حقوق ایران با عنوان عبور از شخصیت حقوقی شرکت، شناخته می‌شود» (جنیدی؛ زارع، ۱۳۹۴، ۸۶).

نظریه مزبور مسئولیت اقدامات شرکت را به شریک و یا شرکای متقلب شرکت منتسب می‌نمایند در عبور از شخصیت حقوقی شرکت، دادگاهها قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری را نادیده گرفته، به نحوی که گوئی آن اقدامات را شریک شخصاً انجام داده است (فرجی، ۱۳۹۰، ۲۳)، «در واقع نظریه مذکور به معنی در نظر گرفتن شخص حقوقی (شرکت تجاری و اشخاص ثالث) اعم از اعضای شرکت و غیره به صورت توأمان و صدور حکم علیه اشخاص فوق در قبال اقدامات و تعهدات شرکت برخلاف قاعده‌ی استقلال شخصیت حقوقی و قاعده مسئولیت محدود است. نظریه مزبور که بر انصاف مبتنی است در موارد نادر و استثنایی جایز بوده و مستلزم احراز و اثبات شرایطی از سوی خواهان است. یکی از این شرایط اثبات سوء استفاده شریک از شرکت تجاری است. این شرط به نظریه تقلب به‌عنوان استثنای استقلال شخصیت حقوقی شرکت نیز معروف است. در حقوق انگلیس استثنای تقلب را می‌توان در روبه قضایی و نیز در قانون موضوعه‌ی این کشور مشاهده کرد» (شهبازی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۱).

با توجه به این توصیف می‌توان گفت نظریه عبور از شخصیت حقوقی شرکت یکی از استثنائات قاعده مسئولیت محدود و قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت است که تحت اوضاع و احوال خاص توسط دادگاهها بکار گرفته می‌شود. در واقع در برخی پرونده‌ها دادگاهها پوشش شخصیت حقوقی

به خصوص در مورد شرکتهایی که در آنها مسئولیت شرکای شرکت محدود به آورده آنهاست مانند شرکتهای سرمایه صدق می‌کند «یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیت حقوقی شرکت این است که به طلبکاران شرکت این امکان را می‌دهد که به جای مراجعه به تک تک شرکای شرکت به شرکت مراجعه نمایند که دارای دارایی مستقلی است و این دارایی پیش از هر چیز تضمین کننده طلب آنهاست؛ اما نباید شخصیت حقوقی به عنوان ابزاری برای پوشاندن فعالیت واقعی شرکت و فرار از مسئولیت مورد استفاده قرار گیرد بلکه شرکت باید وجود واقعی داشته باشد و نباید نوشته‌ای بر روی کاغذ باشد».

عبور از شخصیت حقوقی، دو اصل مسئولیت محدود و استقلال شخصیت حقوقی را بی اثر می‌کند. به موجب این نظریه در صورتی که مشخص شود به هر دلیلی ماهیت واقعی شرکت با ساختار قانونی یا هدف قانون‌گذار از تجویز تأسیس شرکت مطابق نیست و یا دارایی شرکت برای تأدیه قروض آن کافی نباشد دادگاه اجازه می‌یابد مسئولیت محدود سهامداران و شخصیت حقوقی شرکت را نادیده بگیرد و برای استیفای دیون شرکت به دارایی و اموال شخصی سهامداران و شرکا مراجعه کند (جنیدی؛ زارع، ۱۳۹۴، ۸۶).

«عبور از شخصیت حقوقی شرکت تجاری بیانگر وضعیتی است که در صورت کافی نبودن دارایی شرکت طلبکاران شرکت بتوانند مسئولیت محدود شرکای شرکت را نادیده گرفته و برای دریافت مطالبات خود به اموال و دارایی‌های شخصی آنها مراجعه کنند. به عبارت دیگر شخصیت حقوقی شرکت که به مانند نقاب و سپری مانع از رجوع به شرکا است در شرایط و اوضاع احوال خاص خرق

الذکر در مقام بیان مسئولیت ناشی از تسبیب است ارتباطی به نادیده گرفتن شخصیت حقوقی شرکت ندارد.

قبل از هر چیز ذکر یک نکته در خصوص این ماده حائز اهمیت است: به نظر می‌رسد وضع این ماده با در نظر گرفتن صلاحدید طرفین مدیر یا مدیر عامل و اشخاص ذینفع صورت گرفته است بدین صورت که اشخاص ذینفع با نادیده انگاشتن شخصیت حقوقی در صورت عدم کفایت دارایی شرکت جهت پرداخت طلب، آن‌ها حق اقامه دعوی مستقیم علیه مدیر یا مدیران متخلف را خواهند داشت. از طرف دیگر مدیران فقط به پرداخت آن قسمت از دیونی که پرداختشان از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم می‌شوند نه تمام دیون شرکت مگر اینکه شرکت هیچ دارایی نداشته باشد که در این صورت مدیران مسئول پرداخت کل دیون شرکت خواهند بود این ماده مراجعه به مدیران شرکت را در صورتی مجاز دانسته که دارایی شرکت کفاف پرداخت قسمتی از دیون را ندهد؛ حال اگر دارایی شرکت برای پرداخت دیون کافی باشد و شرکت نیز این دیون را بپردازد آیا حق مراجعه به مدیر متخلف برای شرکت ایجاد می‌شود یا خیر؟

براساس اصول کلی حقوق مدنی در صورتی که در اثر تقصیر مدیران به سهامداران اشخاص ثالث یا خود شرکت خسارت و ضرر وارد گردد زبان دیده می‌تواند درخواست جبران خسارت وارده را از عامل ورود زبان بنماید؛ چرا که اصولاً یک قاعده پذیرفته شده وجود دارد که هر کس به دیگری خسارتی وارد کرد باید آن را جبران کند لیکن اگر شرکت در حال تصفیه باشد، وظیفه طرح دعوی علیه مدیران شرکت بر عهده مدیران تصفیه می‌باشد که نمایندگان شرکت

شرکتهای تجاری را کنار زده، ضمن نظر انداختن به ورای پوشش، حقوقی علی رغم قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت، شریک و یا شرکای شرکت را مسئول اقدامات شرکت تلقی می‌کنند طوری که گویی آن اقدامات را شریک شخصاً انجام داده است این مطلب در نظام حقوقی کامن لا به نظریه «عبور از شخصیت حقوقی شرکت» معروف است (فرجی، ۱۳۹۰، ۳۳).

در ایران نیز بعضی از نویسندگان حقوق تجارت؛ بر این باورند که قاعده استقلال شخصیت و نهایتاً استقلال دارایی شرکتهای تجاری نیز گاه در مقابل ضرورتهای عملی رنگ می‌بازد و مؤید گفته خود را ماده ۱۴۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ می‌دانند که بیان می‌دارد: «در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیت دار می‌تواند به تقاضای هر ذینفع هر یک از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید».

با نگاهی به این ماده در می‌یابیم که در واقع قانونگذار به مدیران شرکت اجازه نخواهد داد که در پناه شخصیت حقوقی مستقل شرکت اقدام به انجام اعمال مضر در شرکت نموده و بی تدبیری و بی کفایتی خود را زیر اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت مخفی نمایند؛ لذا با تخلف مدیر یا مدیر عامل، شخصیت حقوقی شرکت می‌تواند توسط اشخاص ذینفع نادیده انگاشته شده و مستقیماً مراجعه به مدیر یا مدیران امکان پذیر شود لیکن باید گفت: از آنجا که ماده فوق

که به عنوان یکی از راهکارهای حمایت از ذینفعان امکان اقدام علیه مدیران متخلف را برای اقلیت سهامداران جهت دفاع از حقوق شرکت، فراهم می‌آورد و با عنایت به بقاء شخصیت حقوقی شرکت در زمان تصفیه باید گفت تخلف یا تقصیر اعضاء هیأت مدیره و یا مدیر عامل، نه تنها توسط اشخاص ذینفع و در زمان ورشکستگی با اعلام و عدم کفایت دارایی شرکت می‌تواند موجب طرح دعوی شود بلکه اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد نیز حق اقامه دعوی به نام و از طرف شرکت خواهند داشت.

۵-۲. استثنائات اصل تفکیک دارایی شرکت از دارایی شرکا در حقوق فرانسه

«در خصوص شرکت تضامنی و شرکای آن در شرکت‌های تضامنی در حقوق فرانسه شرکا همگی تاجر محسوب می‌شوند، نه این که قبل از حضور در شرکت تضامنی تاجر باشند که ممکن است به دلیل فعالیت‌های خارج یا پیش از حضور در شرکت تضامنی تاجر باشند. منظور ماده فوق این است وقتی که شخصی به‌عنوان شریک در شرکت تضامنی موجودی وارد می‌شود، یا به اتفاق شخص یا اشخاص دیگری یک شرکت تضامنی ایجاد می‌نماید، تاجر محسوب می‌شوند. صرف حضور شرکا در شرکت تضامنی سبب می‌شود که آن‌ها تاجر محسوب شوند؛ بنابراین شرکای شرکت تضامنی در حقوق فرانسه همگی تاجر هستند» (مستر؛ ایو، ۲۰۰۹، ۵۶). «در حالی که در حقوق ایران شرکای شرکت تضامنی به صرف شریک شرکت تضامنی بودن تاجر، محسوب نمی‌شوند. در فرانسه به دلالت صریح ماده L221-1 به محض این که شرکت تضامنی تشکیل می‌شود،

در حال تصفیه هستند و در صورتی که تصفیه خاتمه یافته باشد، هر یک از اشخاص ذینفع قادر خواهند بود با استناد به ماده ۳۳۱ قانون مدنی از باب تسبیب، علیه مدیران متخلف اقامه دعوی نمایند؛ البته برای تحقق مسئولیت مدنی مدیر متخلف، اثبات تقصیر وی یکی از ارکان ضمان تسبیب می‌باشد که باید توسط شخص ذینفع ثابت شود.

اعمال این ماده فقط مخصوص زمانی است که شرکت ورشکسته شده باشد یا پس از انحلال محرز شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست در اینجا ممکن است گفته شود با ورشکستگی یا انحلال شرکت رجوع اشخاص ذینفع به مدیران به دلیل محو شخصیت حقوقی شرکت با مانع جدی روبرو نخواهد بود؛ لذا در پاسخ باید گفت این طرز فکر ناشی از یک برداشت سطحی و بدون ملاحظه سایر مواد لایحه اصلاح قانون تجارت می‌باشد؛ چنانچه از ماده ۲۰۸ لایحه اصلاح قانون تجارت مستنبط است تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی می‌ماند؛ لذا به صرف انحلال یا اعلام حکم ورشکستگی شخصیت حقوقی شرکت از بین نمی‌رود بلکه به طور ناقص جهت پایان دادن به امور حسابرسی و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی باقی خواهد ماند به‌موجب ماده ۲۷۶ لایحه اصلاح قانون تجارت که بیان می‌دارد: «شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضاء هیأت مدیره و یا مدیر عامل به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه نمایند». در دعوی مشتق

ملاحظه اصل تفکیک دارائی شرکت از دارائی شرکاء و قبول آثار آن از جمله مکلف بودن شخصیت حقوقی شرکت به پرداخت طلب بستانکاران، معین نموده است که طلبکاران ابتدا به شرکت مراجعه نمایند و مصلحت دوم که مدنظر قانون‌گذار فرانسوی بوده، امکان وصول سریع‌تر از ناحیه طلبکاران می‌باشد. برای رفع تقابل دو مصلحت، قانون‌گذار فرانسوی به جمع آن دو پرداخته و طلبکاران را ملزم نموده که بدو به‌وسیله اظهارنامه از شرکت مطالبه طلب نمایند و در صورت عدم وصول پاسخ، امکان مراجعه به شرکای شرکت تضامنی برای طلبکاران فراهم می‌گردد.

۵-۲-۲. تجارت متقلبانه

وجود شخصیت حقوقی شرکت مانع مراجعه مستقیم طلبکاران شرکت به سهامداران و مدیران شرکت می‌باشد لیکن جریمه مدیران بابت ضرری است که در نتیجه تقصیر آنها بر شخص ثالث وارد شده است (دیویس؛ گوور، ۲۰۰۳، ۱۸۹-۱۸۴). اگر در طول تصفیه شرکت معلوم شد که تجارتي که توسط شرکت صورت گرفته با قصد فریب بستانکاران شرکت بوده، دادگاه با درخواست مدیر تصفیه ممکن است همه اشخاصی را که عالماً عامداً ذینفع در انجام تجارت بوده‌اند، مسئول تلقی کند. قانونگذار در ماده ۲۱۴ قانون ورشکستگی به تدوین مقرره‌ای مشابه ماده ۲۱۳ اقدام نموده است؛ البته با یک شرط خاص که مراجعه به مدیران شرکت منوط به ناتوانی شرکت از پرداخت دیون آن شده است با این اوصاف انجام تجارت متقلبانه و غیر قانونی به دادگاه این اختیار را خواهد داد که شخصیت حقوقی شرکت را نادیده

شرکای آن تاجر محسوب می‌گردند و یا چنان چه شریک جدیدی به شرکت تضامنی موجودی وارد شود، از زمان ورود تاجر محسوب می‌شود.

«به نظر می‌رسد قانون‌گذار فرانسوی در قسمت اخیر ماده فوق‌الذکر از اصل شخصیت حقوقی تاحدودی عدول کرده است. این امر نیز یکی دیگر از تفاوت‌های شرکت تضامنی در حقوق فرانسه با حقوق ایران است. علی‌رغم این که شرکت شخصیت حقوقی‌اش باقی است، اجازه مراجعه به شرکا را برای بستانکاران فراهم نموده است، در حالی که در حقوق ایران قانون‌گذار در ماده ۱۲۴ قانون تجارت چنین اجازه‌ای را نداده است، یعنی در ایران امکان مراجعه به شرکای شرکت تضامنی مادامی که شخصیت حقوقی شرکت باقی است، وجود ندارد. در حقوق فرانسه نیز مادامی که شخصیت حقوقی شرکت باقی است، حق رجوع مستقیم به شرکا از بستانکاران شرکت سلب شده است با این تفاوت که در صورت ارسال اظهارنامه توسط بستانکاران به شرکت و بی‌پاسخ ماندن آن به آنان اجازه مراجعه به شرکای شرکت داده شده است. معنای بی‌پاسخ ماندن اظهارنامه این است که شرکت از پرداخت طلب طلبکار استنکاف کند یا متوقف از تأدیه دین شود یا عاجز از پرداخت دین خود باشد یا به هر نحوی طلب طلبکار را پرداخت نکند یا طلبکار را از دریافت طلبش منصرف نکرده باشند. در این صورت بستانکاران می‌توانند به شرکای ضامن مراجعه کنند» (منتظر؛ زاهدی، ۱۳۹۹، ۷۲).

قانونگذار فرانسوی در ماده L221-1 دو مصلحت را مدنظر قرار داده است:

در مصلحت اول، علی‌رغم وجود و احترام به شخصیت حقوقی شرکت، امکان مراجعه به شرکاء پیش‌بینی گردیده است. به عبارت دیگر در قانون فرانسه با

انگاشته و به مسئولیت مدیران حکم دهد (دیویس؛ گوور، ۲۰۰۳، ۱۹۲).

قاعده اصلی حقوق شرکت‌ها در فرانسه، شخصیت حقوقی مستقل شرکت و محدودیت مسئولیت سهامداران است اما حقوقدانان فرانسوی معتقدند در صورتیکه از نظر اجتماعی قابل قبول باشد می‌توان این قاعده اولیه را کنار گذاشت با این حال قوانین فرانسه مقررهای در مورد گروه شرکت‌ها یا خرق حجاب ندارند (دمایر، ۲۰۱۵). رویه قضایی در فرانسه با استفاده از قوانین قراردادهای، الزامات خارج از قرارداد و قوانین ورشکستگی در مواردی خرق حجاب شرکت را می‌پذیرند.

یکی از مبانی خرق حجاب در فرانسه مسئولیت نیابتی و یا مسئولیت کارفرما در مقابل اعمال کارکنانش است. مطابق با ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه کارفرمایان در قبال خسارت ناشی از اعمال کارکنان ایشان در راستای شغل محول شده مسئول هستند. در حقوق فرانسه از این ماده برای مسئولیت گروه شرکتها استفاده می‌شود. این ماده برای خرق حجاب در پرونده‌های الزامات خارج از قرارداد به کار گرفته می‌شود تا قربانیان بتوانند به شرکت مادر برای خسارات خود رجوع نمایند و بدین وسیله از سوءاستفاده گروه شرکت‌ها به صورت انتقال فعالیت های پر خطر به شرکت‌های تابعه دارای سرمایه اندک یا خارج از حوزه صلاحیت دادگاه جلوگیری می‌نمایند. این مسئله به خصوص در مورد شرکت‌های بین‌المللی که در کشورهای در حال توسعه فعالیت می‌کنند مطرح می‌شود (دمایر، ۲۰۱۵).

مبنای قانونی دیگر برای مسئول شناختن سهامداران و مدیران مقررات ناظر بر ورشکستگی در قانون تجارت فرانسه است. ماده 2-651 L قانون تجارت

فرانسه بیان می‌دارد در صورتی که در پروسه تصفیه مشخص شود اموال برای پرداخت دیون کافی نیست و علت این امر اهمال در مدیریت بوده است، ممکن است اشخاصی مسئول پرداخت تمام یا بخشی از دیون گردند. همچنین این مسئولیت ممکن است تضامنی باشد. مدیران شرکت چه مدیران قانونی و چه مدیران واقعی ممکن است مسئول شناخته شوند مدیران قانونی مدیر عامل و اعضای هیئت مدیره هستند. مدیر واقعی می‌تواند شامل هر شخصی شود که در مدیریت شرکت دخالت داشته است. برخی از آرا دادگاه‌ها و کلاً مدیران بانکها و حسابدارانی که بیش از حد در امور شرکت دخالت داشته‌اند را مدیر واقعی محسوب کرده‌اند (کاراپانچو؛ کاراپانچو، ۲۰۱۳، ۲۱۳).

هرچند در قانون تعریف خاصی برای اهمال در مدیریت بیان نگردیده لکن رویه قضایی حکایت از آن دارد که اهمال در مدیریت حتی شامل قصور ساده در انجام وظایف بوده و موجبات مسئولیت مدیر را فراهم می‌آورد. به علاوه مواد ۶۲۱-۲، ۶۳۱-۷ و ۶۴۱ قانون تجارت فرانسه نیز در صورتی که سهامداران به صورت متقلبانه تمامیت شرکت را نقض کنند مسئول شناخته خواهند شد. در این صورخواهان باید ثابت نمایند که یکی از اشکال تقلب مانند کلاهبرداری پنهان کاری و یا ایجاد ظاهر فریبکارانه توسط سهامداران ارتکاب یافته است.

همچنین ماده 1-653 L قانون تجارت فرانسه برای اشخاص ذکر شده در بالا در صورت انجام اعمالی مانند بالا بردن دیون به صورت متقلبانه انتقال اموال شرکت، در پیش گرفتن اعمالی که به عدم توانایی در پرداخت دیون منتهی می‌شود و یا استفاده شخصی از اموال شرکت، مجازات محرومیت دائم از هرگونه

فعالیت در شرکتهای انتفاعی و غیر انتفاعی، و حتی محرومیت از حقوق شهروندی را پیش بینی می‌نماید. البته این ماده را می‌توان از جایگزین‌های خرق حجاب و از زمره مسئولیت جزایی مدیران قلمداد نمود.

۶. نتیجه

نتایج نشان داد اصل تفکیک دارائی شرکت از دارائی شرکا در حقوق ایران و فرانسه دارای دو استثناء مهم است؛ استثناء نخست مربوط به شرکای شرکتهای نسبی است که هر کدام منفرداً یا متضامناً به نسبت سهم الشرکه خود علاوه بر سرمایه‌ای که در شرکت گذاشته‌اند مسئول پرداخت دیون شرکت می‌باشند. ماده ۱۲۴ قانون تجارت ایران و همین‌طور مستنبط از مادتين ۲۰۸ و ۲۰۹ قانون تجارت ایران و همچنین وحدت ملاک ماده ۲۰۸ لایحه اصلاحی سال ۱۳۴۷ این است که بستانکاران شرکت تضامنی، شرکت نسبی، شرکتهای مختلط اعم از سهامی و غیر سهامی تا زمانی که شخصیت حقوقی شرکت باقی است (یعنی تا پایان عملیات تصفیه) نمی‌توانند به شرکای ضامن مراجعه کنند. این قید ضامن را به خاطر دو دسته بودن شرکا در شرکت مختلط غیرسهامی بیان نموده‌اند، و الا همه شرکا در شرکت تضامنی ضامن هستند و همچنین شرکا در شرکت نسبی همگی ضامن هستند، البته به نسبت آورده خود در شرکت در شرکت تضامنی شرکا نسبت به کل بدهی شرکت به اشخاص ثالث، ضامن هستند، ولی در شرکت نسبی به نسبت آورده‌شان ضامن هستند. استثناء دوم مربوط به نظریه عبور از شخصیت حقوقی شرکت است. نظریه عبور از شخصیت حقوقی دو اصل مسئولیت محدود و

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع:

منابع فارسی

- اسماعیل‌زاده، معصومه، قاعده استقلال دارائی شرکت‌های تجاری و نتایج آن، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم، دانشکده حقوق، ۱۳۸۷.
- احمدی سجادی، سید علی، «مقایسه شرکت مدنی و شرکت تجاری در حقوق ایران»، نشریه مجتمع آموزش عالی قم، شماره چهار، ۱۳۷۸.
- امیر تیموری، سعیده؛ عیسائی تفرشی، محمد، «شرکت تجاری تک‌عضوی و تطور تاریخی آن مطالعه تطبیقی»، نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره اول، ۱۳۹۲.
- جنیدی، لعیاء؛ زارع، ملیحه، «اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران (تحلیل مسئولیت مدیران شرکت‌های سرمایه در قبال دیون پرداخت‌نشده شرکت)»، نشریه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، شماره اول، ۱۳۹۴.
- حسنی، حسن، حقوق تجارت مستمل بر کلیه مباحث، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۵.
- خوئینی، غفور؛ مشایخ، میلاد، «مطالعه تطبیقی نظریه نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری بر فرض تقلب شریک یا شرکا در نظام‌های حقوقی انگلستان - قطر - ایران»، نشریه پژوهش‌نامه حقوق خصوصی عدالت، شماره چهار، ۱۳۹۴.
- روحانی، سید محسن، «استثنائات نظریه پوشش شرکتی در حقوق جمهوری اسلامی ایران بامطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد ربیعا اسکینی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲.
- شهبازی‌نیا، مرتضی؛ عیسائی تفرشی، محمد؛ کاویانی، کوروش، فرجی، اسماعیل، «عبور از شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره نه، ۱۳۹۰.
- عیسائی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوقی شرکت‌های تجاری، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۴۰۰.
- فرجی، اسماعیل، «نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت تجاری»، رساله دکتری، به راهنمایی استاد مرتضی شهبازی‌نیا، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۰.
- منتظر، مهدی، تقریرات درس حقوق تجارت، چاپ اول، دماوند، انتشارات دانشگاه آزاد دماوند، ۱۳۹۶-۱۳۹۵.
- منتظر، مهدی؛ زاهدی، غزال، «تمایزات بنیادین شرکت‌های تضامنی در حقوق ایران و فرانسه»، مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره چهل و چهار، ۱۳۹۹.

منابع لاتین

- Davies, Paul L; GOWER, L.B.C, Gower and Davies principles of modern company, 14th edition, London, published sweet and Maxwell, 2003.
- Demeyere, S., Liability of a Mother Company for Its Subsidiary in French, Belgian, and English Law, European Review of Private Law 3-2015.
- Fanto, James A. «The Role of Corporate Law in French Corporate Governance», Cornell International Law Journal, No. 1, 1998.
- Karapanço, Albana and Karapanço, Ina. « The Piercing of the Corporate Veil Doctrine A Comparative Approach to the Piercing of the Corporate Veil in European Union and Albania», Academic Journal of Interdisciplinary Studies, No. 9, 2013.
- Mestre, Jacques & Éve, Marie, Droit commercial (Droit Interne et Aspects de Droit International, 28th edition, Pancrazi, published L.G.D.J, 2009.